

کشف اسرار تخت جمشید

در شماره دوم این مجله مقاله ای که پروفیسور هر تسفلد دانشمند ایران شناس آلمانی راجع باکتشافات اخیر تخت جمشید نگاشته بودند با تصور برخی از آثار که جدیداً کشف شده است از نظر خوانندگان گذشت. اخیراً در یکی از مجلات امریکا پروفیسور چارلز بریستد منشی عامل مؤسسه شرقی جامع شیکاگو که خود در بهار گذشته برای بازدید عملیات حفاری تخت جمشید باطیاره بایران مسافرت کرده است مقاله متوسطی نگاشته که انتشار برخی قسمتهای آنرا لازم دانستیم. اینک قسمتهای از مقاله شماره ۱۰ را که مربوط باکتشافات جدید تخت جمشید است با تصور مربوط بدان ترجمه و طبع میکنیم و بنیاید نیز هر گونه اطلاع بدینی که درین باب بدست آید بنظر خوانندگان این مجله خواهد رسید و امیدواریم که در شماره آتی راجع با الواح طلا و نقره ای هم که اخیراً در حفاریات تخت جمشید بدست آمده و بهترین نمونه عظمت تمدن ایران قدیم است اطلاعات مفیدی بخوانندگان محترم بدهیم.

دست قادر علم طومار حوادث کهن را که گذشته ایام در هم نور دیده است از نوی گشاید و اسرار مهمی را که تا کنون افسانه می نمود مکشوف میسازد. گذشته از اکتشافات متعددی که تا کنون در محل تخت جمشید کرده اند در نتیجه مجاهدات اخیر مسام شد که حریق عمدی استخر و تصور پادشاهان بزرگوار ایران بامر اسکندر مقدونی افسانه نیست. دکتر هر تسفلد با کشف طبقات خاکستر و زغال در خرابهای تخت جمشید ثابت کرد که بیانات پلوتارکوس مورخ یونانی در شرح زندگانی اسکندر راجع بسوختن استخر و عمارات سلطنتی ایران بدست طائیس صحت داشته است. پلوتارک می نویسد: « پس از آنکه اسکندر بشادی و سرور با یاران باده نوشی کرد ناگزیر امر باش زدن شهر با شکوه ایران داد. زنان بسیار باردوی وی آمده بودند تا در آن عیش و مستی شرکت جویند. نامی ترین ایشان طائیس آتنی بود که پس از اسکندر زن بطلمیوس لاگوس پادشاه مصر گردید. این زن هم برای خوش آمد اسکندر و هم برای ازدیاد سرور و خوشی او پیش نهاد کرد که خانه خشایارشا پادشاه گذشته ایران را که بامراوشهر آتن طعمه آتش شده بود بسوزانند.» البته از آنش اسکندر بجاریهای زیبا وستونهای بلند و پلکانهای بزرگ و دقایق صنعتی دیگر این بنای عظیم آسیبی نرسیده و فقط بام و انبیه چوبین و ائانه عمارات سوخته است. علاوه بر کشف آثار صنعتی زیبا دکتر هر تسفلد اخیراً

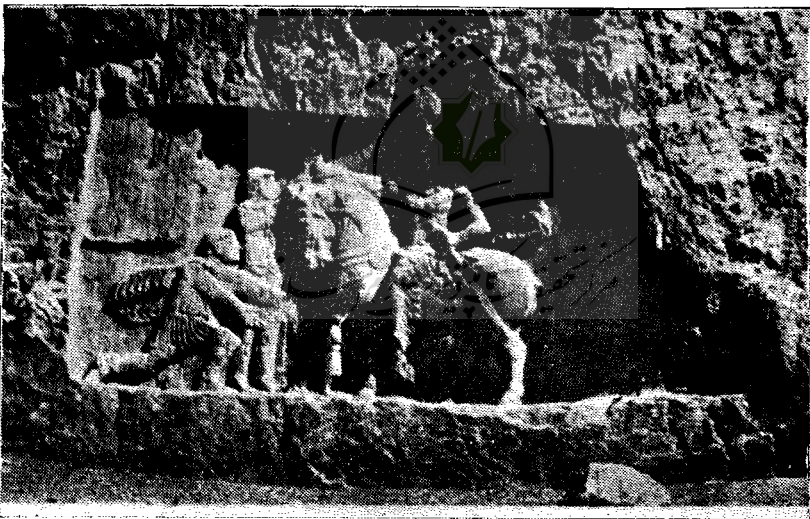
کشف کاخخانه

اسناد پادشاهان ایران را که قریب بیست هزار لوح گلی است کشف کرده و کشف این الواح را میتوان مهمترین قسمت اکتشافات تخت جمشید شمرد، چه نمیتوان تصور کرد که پس از ترجمه خطوط مبخی این الواح چه حقایق دلفریبی از تمدن و زندگانی قدیم ایران آشکار خواهد گشت. شاید از ترجمه آنها بفارسی حقیقت لشکر کشیهای داریوش و خشایارشا بیونان و مطالب مهم تازه ای در باب حمله سلاطین ایران بمصر و شرح مرتب وقایع دلپسند عصر عظمت ایران روشن گردد. اجازه رسمی دکتر هر تسفلد برای حفاریات و کشفیات در قصر حرم داریوش و خشایارشا

تخت جمشید تازه است، ولی سالهای پیش بی آنکه اقدامی برای حفاری نموده باشد از نظر فحص شخصی در آثار تخت

چشمید که حرم قصر داریوش و خشایارشا نیز قسمتی از آنست مطالعاتی کرده بود. بهمین سبب پس از آنکه برای اقدام بحفاری تخت چشمید ماموریت یافت نخست برای سکونت خویش بتجدید بنای عمارت حرم همت گماشت و در راه انجام این مقصود زحمات بسیار کشید چه ناگزیر بود سنگهای عظیمی را که وزن برخی از آنها بهفتاد خروار میرسید و دست روزگار سرنگون ساخته بود بار دیگر بجای خود بریا کند. در خلال این احوال د کتر هر تسفلد و ههراهان او روی ایوان بسیار وسیعی از سنگ که فی الحقیقه بنیان قصور است در زیر چادر زندگی میکردند. همینکه توده های خاک از روی ایوان برداشته شد اشیاء کوچک گوناگون ذقیمتی بدست آمد و مصالح و ادواتی پیدا شد که معرف فن معماری ایران قدیمست.

پس از آنکه سطح ایوان بزرگ از زیر توده های خاک بیرون آمد د کتر هر تسفلد توانست نقشه صحیحی از سطح زمین عمارات تهیه کند و رابطه ای را که از لحاظ معماری بین قصور مختلفه بوده است آشکار سازد.

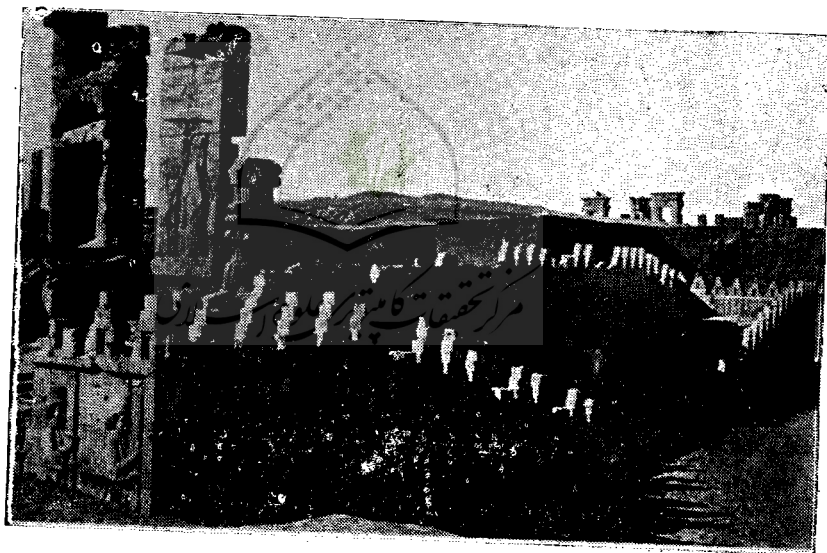


مجسمه شاپور اول و والرین امپراطور روم که مقابل او بزانو در آمده است. این نقش برجسته در جانب چپ راهی که به قبره داریوش می رود حجاری شده است.

بدیهی است که درینگونه حفاریات برای برداشتن خاکها و حمل و نقل آن از ادوات و ماشینها و وسائل جدید که بر سرعت کار میفزاید استفاده نمیتوان کرد و اینکار باید قطعا با هستکی و دقت با بیل و کند و آلات دستی انجام گیرد، تا آثار گرانبهای کوچک مانند جواهر و سکه ها و اشیاء کوچک دیگر از نظر دور نماند و از میان نرود. پس از آنکه توده ضخیم خاک که در برخی قسمتها تقریبا بقطر نه ذرع بود برداشته شد و چنانکه گفتیم رابطه قصور مختلف آشکار گردید معلوم گشت که از قصرهای مزبور یکی قصر زمستانی خشایارشا و یکی قصر زمستانی پدر او داریوش است و قصور

مزبور با عمارت حرم که اکنون تعمیر شده و با قصر اردشیر جملگی بیکدیگر مربوط بوده و دروازه یا مدخل واحدی داشته است که واردین ناگزیر بوده اند برای دخول بمحوطه هر قصری از آن دروازه بگذرند. این دروازه بین دو عمارت بزرگ قرار گرفته است که ظاهراً «آبادانا» یا بارگاه بوده است. سقف یکی از این عمارات را بر روی صد ستون عظیم سنگی بلند استوار کرده بوده اند و نقوش حجاری شده این ستونها بسیار زیبا و استادانه است.

برداشتن خاکها قریب یکسال و نیم طول کشید، در این مدت برد کتر هر تسفله مسلم می نمود که در زیر خاکها پلکانی است که شاهنشاهان ایران از آن بیارگاه وارد می شده اند و چنان که او گمان داشت پس از برداشتن خاکها دوسلسله پلکان عظیم نمایان شد که بیارگاه خشایار شاه راه داشت و رابط مدخل بزرگ و محوطه عمارت بود و این از مهمترین اکتشافات هیئت حفاری تخت جمشید است!



تصویر دوردیف پلکانیست که جدیداً کشف شده و بیارگاه سلاطین اتصال می یابد. این دو سلسله پلکان بقسمی ساخته شده است که در مواقع پذیرائی های رسمی دزباری مدعوین را بدو دسته تقسیم می کرده است، چنانکه دسته ای از جانب چپ و دسته ای از جانب راست بالا می رفته اند و در ایوان مسطح فوقانی بیکدیگر می رسیده اند و باز از دو ردیف پلکان دیگر صعود کرده در مرتبه بالاتر با هم مواجه می شده اند. بارگاه روی ایوان باسطح وسیع دومین واقع شده و دیوارهای اطراف ایوان فوقانی را زردهای زیبایی احاطه کرده است.

در اطراف پلکان نقوشی حجاری شده است که هم از لحاظ تاریخی و هم از نظر صنعتی اهمیت بسیار دارد. از آن جمله قسمتی از حجاری ها پذیرائی دربار

شاهنشاهرا نشان میدهد که سپاهیان قصر شاهي وقراولان مخصوصی که به «قراولان» جاویدان» معروف بوده‌اند نیز در آن شرکت دارند. صاحب منصبان بسیاری از ایران و ماد در مقابل سپاهیان قرار گرفته‌اند و در میان ایشان فرستادگان ممالک بیست و هشت گانه ای که تابع ایران بوده‌اند دیده می‌شود و هر يك از فرستادگان مزبور هدایا و تحفی از قبیل ائانه زرین، اشیائی از آبنوس و عاج، حیوانات زنده و امثال آن بحضور شاه می‌برد. موقع این‌گونه پذیرائی‌ها و هنگام بار عام معمولاً در عید نوروز یعنی اول سال ایرانیان که مطابق با ۲۲ ماه مارس فرنگی باشد بوده است.

مجاری تخت الارضی

دکتر هر تسفلد در ضمن حفریائی که بکشف و نوش برجسته دیوارها منتهی شد مدخای از خاک و سنگ یافت و چون خاک آن مدخل را برداشتند معلوم شد که بیک رشته مجاری زیر زمینی پیچیده طویل راه دارد که برای فاضل آب عبارات ساخته شده بوده است. امروز اگر کسی بخواهد از این مجاری تحت الارضی بگذرد باید چندین میل راه طی کند و درین آن‌ها مجاری تحت الارضی معروف باریس را بیابدیننده می‌آورد. از مشاهداتین آثار با نام مسلم دانست که بنیه و تصور و مجاری تحت الارضی تخت جمشید جملگی با نقشه‌های صحیح و اسلوبی منظم و مبتنی بر اصول علمی که قطعاً شه‌نشاه ایران قبلاً آنرا دیده و بسندیده بوده است ساخته شده. شاید اگر طرح نقشه‌های معماران ایران قدیم برای معماران عصر ما میسر میشد و بر موز کار ایشان واقف می‌شدند بر خود می‌بالیدند.

توجه‌اعلیحضرت پهلوی

بجفریات تخت جمشید

پیش ازینکه حفریات تخت جمشید شروع شود زائرین آن کم بود ولی از وقتیکه باین امر اقدام شد بر عدّه تماشا کنندگان افزوده است. چندی پیش سوک ملوکانه اعلیحضرت پهلوی برای بازدید و تماشای عملیات دکتر هر تسفلد و همراهان وی بتخت جمشید نزول اجلال فرمودند و پس از مشاهده و معاینه تمام قسمتها د کتر زاموردی مرحوم شاهانه قرار داده فرمودند که «شما در اینجا بتمن خدمت میکیند و من از کار شما خرسندم» تقریباً در دو میلی تخت جمشید دکتر هر تسفلد تپه ای

یافتن شهری از شههزار

سال پیش

و در زیر آن آثاری از قدیمترین قریه عصر حجر در مشرق زمین ظاهر گردید. تاریخ این قریه چنانکه از آثار آن بر می آید بچهار هزار سال پیش از میلاد میرسد. دیوارهای آن از پنج تا شش فوت ارتفاع دارد و قدیم ترین پنجره دنیا را درین قریه میتوان دید. دیوارها برخی قرمز رنگ است و در کف اطاقها ظروف سفالین مزین بطرحهای رنگا رنگ دلربا یافته‌اند که از قدیمترین ظروف سفالین مکشوف عالمست. در بعضی اطاقها چاقوهای سنگی یافت شده که ظاهراً هم برای کشتن حیوانات و هم در صرف طعام بکار میرفته است.

در برخی از ظروف استخوان حیواناتی که گوشت آنها خورده شده هنوز باقیست و این امر ثابت میکند که مردم این قریه شش هزار ساله بواسطهٔ اتفاقی ناگهانی آنجا را ترک گفته و گریخته اند .



تمثال مبارك شاهانه در موقع بازدید حفريات تخت جمشيد .
(دکتر هر تسفلد در مقابل اعلیحضرت همایونی دیده میشود)



تا اینجا مضمون مقالهٔ پروفیسور چارلز بریستد و تصاویر مربوط بمقالهٔ مشارالیه تمام میشود. تصاویر سه گانه‌ای که در صفحات ضمیمه بعد طبع شده تصویر کاشی هائی است که باز در کاوش های ماههای اخیر در تخت جمشید یافته اند و از لحاظ تاریخ صنایع ایران بسیار اهمیت دارد. پیش از کشف این کاشیهای زیبا شاید هیچکس گمان نمیکرد که صنعت کاشی سازی در ایران از عصر سلاجقه قدیمتر باشد ولی کشف این آثار نفیس ثابت میکند که این صنعت از ۲۵۰۰ سال پیش یعنی از زمان داریوش بزرگ صنعت خاص ایران بوده است. متأسفانه بواسطهٔ نبودن وسائل نتوانستیم تصاویر سه گانهٔ مزبور را برنگ اصلی کاشیها طبع کنیم و اگر این امر میسر میشد خوانندگان محترم باستادی پلران خویش درین صنعت وزیباتی دلفریب آثار ایشان که موجب افتخار و سرافرازی و دلیل آشکار تمدن درخشان ما در عصر تو حش بسیاری از ملل متمدن امروز است نیکوتر بی می بردند .